

نقش محبت خدا و اولیا در تربیت نفس از دیدگاه اسلام

فاطمه بیات^۱

چکیده

محبت به معنای دوست داشتن و علاقه قلبی به چیزی است که محبت به آن چیز تعلق می گیرد و تربیت به معنای پروراندن توانایی ها و استعدادها در جهت هدف مربی می باشد؛ محبت نه تنها در تربیت مؤثر است، بلکه یکی از مهمترین و اساسی ترین روش های تربیت، محبت می باشد، خواه متعلق تربیت نفس باشد و یا غیر نفس باشد.

در این زمینه بسیاری از علما و دانشمندان مطالب ارزنده ای ارائه نموده اند که البته این مطالب در لایه مطالب اخلاقی یا تربیتی دیگر بیان شده است و کم تر مجموعه ای را می توان یافت که به طور خاص به موضوع مورد نظر پرداخته باشد. این مسأله موجب شد تا انگیزه ی من برای جمع آوری مطالب و تدوین آنها تحت عنوان مذکور افزایش یافته و چندی در این مقوله تلاش نمایم و ما حاصل آن مجموعه ای است که در مقابل شماسست و در آن سعی شده نقش محبت به طور خاص بر تربیت نفس بیان شود.

در نتیجه به این مهم دست یافتیم که محبت در تربیت امری الزامی می باشد و از نیازهای اساسی انسان از ابتدای تولد تا پایان عمر او می باشد. البته به این نکته نیز واقف شدم که ابراز محبت چهارچوب مشخصی دارد که می بایست در همین چهارچوب اعمال محبت شود و خارج شدن از آن عواقب متعددی را خواهد داشت که ممکن است نتیجه معکوس در پی داشته باشد. به طور مثال در رابطه با تاثیر محبت اولیا بر تربیت نفس نباید مقام ایشان را بدان حد بالا ببریم که در کنار خداوند قرار دهیم بلکه می بایست با در نظر گرفتن جایگاه آنان از تاثیر محبت بر تربیت نفس خویش بهره بگیریم.

کلید واژه: تربیت، محبت، خدا، اولیاء.

۱- طلبه سطح ۲، حوزه علمیه خواهران حضرت عبدالعظیم حسنی.

مقدمه

محبت که از ریشه ی حب گرفته شده به معنای دوست داشتن و علاقه قلبی است و در اصطلاح به معنای کشش و میل به چیزی که متعلق محبت فرد قرار می گیرد، می باشد. تربیت نیز از ریشه ی (ربو) گرفته شده که به معنای پروراندن است و در اصطلاح به معنای فعالیت و تلاشی که با قصد و بدون قصد برای باور کردن استعداد شخصی که مورد تربیت قرار می گیرد، می باشد. آنچه مسلم است در امر تربیت، عوامل و روش های متعددی تأثیر گذار است که یکی از این ها محبت می باشد و محبت هم جایگاه و نقشی در تربیت دارد ولی این که جایگاه آن تا چه حدی است امری است که در این مجموعه به آن پرداخته شده است.

در زمینه ی موضوع مقاله به منابع متعددی چون پایان نامه ها و کتاب های اخلاقی، تربیتی و رجوع کردم عنوانی برابر با عنوان خود نیافتم. با توجه به اینکه متعلق تربیت می تواند ذات و غیر ذات باشد. در اکثر منابعی که به آنها رجوع کردم به یک بعد قضیه پرداخته شده بود مثلاً در کتاب اخلاق در قرآن آقای مصباح یزدی در مورد آثار معرفت انسان به خدا توانستم نکاتی را جمع آوری کنم و یا در اکثر کتاب های تربیتی تنها به مسأله تربیت فرزند پرداخته شده بود، بنابراین بنده با توجه به هدفی که در این مجموعه دنبال می کردم سعی کرده ام به جمع آوری و چینش این مطالب کنار یکدیگر و برقراری ارتباط بین آنها بپردازم البته در این زمینه کتاب آیین مهرورزی آقای محمدرضا کاشفی کمک زیادی به چینش مطالب من کرد، با این تفاوت که ایشان به نقش محبت در زمینه های مختلفی چون تربیت نفس، تربیت فرزند، روابط زنشویی، محبت والدین و غیره پرداخته بودند اما در این مجموعه فقط به جایگاه محبت در تربیت نفس ولی به طور مفصل تر پرداخته شده است.

وجود انسان های کامل و برجسته در جامعه انسانی نشان دهنده این است که این گونه انسان ها در مرتبه اول توانسته اند به تربیت نفس خود بپردازند و از آنجا که تربیت نفس اگر بخواهد مسیر عادی و طبیعی خود را بگذراند، نیازمند زمان طولانی است بنابراین این انسان ها از روشی سریع برای رسیدن به این کمال استفاده کرده اند که آن روش همان ایجاد پیوند عاطفی میان خود و موجودی کامل تر از خودشان می باشد که آنها خدا و اولیا الله هستند. بنابراین تبیین نقش محبت آن ها در تربیت نفس در واقع معرفی سرعت دهنده ای برای رسیدن به کمال است.

هدف از خلقت انسان رسیدن به کمال می‌باشد و آنچه این مسیر را برای او هموار می‌سازد تربیت صحیح می‌باشد. خواه تربیت نفس و یا غیر نفس ولی آنچه مسلم است اگر فردی بخواهد مربی خوبی برای دیگران باشد، در مرحله اول باید خود را تربیت کند. در تربیت هم عوامل مختلفی دخیل هستند که محبت یکی از این عوامل می‌باشد و محبت همانند شیرازه‌ای این عوامل را به یکدیگر پیوند می‌دهد و تربیت صحیح بدون در نظر گرفتن نقش محبت در حقیقت مانند برگه‌های از هم گسسته است که هر کدام به تنهایی ارزشمندند ولی انسجام و کارایی لازم را ندارند.

این مقاله به روش توصیفی کاربردی گردآوری شده است.

مفهوم شناسی

محبت در لغت و اصطلاح

معانی متعدد لغوی برای محبت ارائه شده است اما در میان تعاریف لغوی ارائه شده برای محبت وجه اشتراکی وجود دارد که آن به معنای دوست داشتن و علاقه قلبی می‌باشد. اما در اصطلاح، محبت از ریشه حب و ضد بغض است در روایات نیز حب و بغض مقابل یکدیگر به کار رفته است.^۱

همچنین محبت در مقابل کراهت نیز آمده است و عبارت است از میل و رغبت به چیزی که دریافتن آن سبب لذت و راحت باشد.^۲

تربیت در لغت و اصطلاح

تمام معانی لغوی ارائه شده برای تربیت به گونه‌ای دربرگیرنده معنای پروراندن می‌باشد که معنای مد نظر ماست در اصطلاح نیز، هر مکتب متکی بر مبانی خود تعریف ویژه برای تربیت

۱- محمد، ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، چاپ ۷، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، سال ۶۸، ج ۳۲۵۷، ص ۴۲۶

۲- عباس، قمی، خلاصه معراج السعاده، موسسه در راه حق، قم، چاپ اول، ص ۲۰۰

ارائه می‌کند شاید بتوان قدیمی‌ترین و روان‌ترین و در عین حال ساده‌ترین تعریف را به افلاطون نسبت داد وی می‌گوید تربیت زیباترین چیزی است که در بهترین انسان‌ها آشکار می‌شود^۱

در نهایت تعریف اصطلاحی تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای انسان در جهت مطلوب.^۲

رابطه ی محبت انسان و خدا

در بیان رابطه ی محبت انسان و خدا در مرحله ابتدا ثابت می‌کنیم که محبت یا به عبارت دیگر فطرت حب در انسان می‌تواند وسیله ای برای رسیدن به شناخت خدا باشد که اکنون آن را شرح می‌دهیم.

شناخت خدا از طریق فطرت حب

تاکنون برای شناخت و اثبات خدا راه‌ها و براهین گوناگونی از قبیل برهان نظم، برهان علیت و غیره مطرح شده است که هر کدام در جایگاه خود حائز اهمیت است. به طور مثال برهان نظم به این صورت است که این جهان بر اساس نظم خاصی آفریده شده است، هر نظامی نیازمند ناظم است، در نتیجه این جهان هم رهبر و ناظم مشخصی دارد که خداوند تنها ناظمی است که قادر به ایجاد و رهبری چنین نظامی عظیم است. خداوند در قرآن در این باره می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ»^۳

«و از آیات او این است که آسمان و زمین به فرمان او برپاست»

یعنی نه تنها آفرینش آسمان‌ها که در آیات متعدد به آن اشاره شده است بلکه برپایی و ادامه ی نظام آن‌ها نیز آیتی دیگر است.

۱- آویبوری، لرد، در جستجوی خوشبختی، ص ۱۰۷

۲- محسن، شکوهی یکتا، تعلیم و تربیت اسلامی، شرکت چاپ و نشر ایران، ص ۵

۳- روم (۳۰)/ ۲۵

چه این که : این اجرام عظیم در گردش منظم خود احتیاج به امور زیادی دارند ، که مهمترین آن ها محاسبه ی پیچیده ی تعادل نیروی جاذبه و دافعه است.

پروردگار بزرگ آن چنان این تعادل را سامان بخشیده که میلیون ها سال، بدون کمترین انحراف در مسیر خود گردش می کنند.^۱

و یا در جای دیگر خداوند می فرماید

«أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ»^۲

«یا آنها بی هیچ آفریده شده اند، یا خود خالق خویشند»

این عبارت کوتاه و فشرده در حقیقت اشاره به «برهان معروف علیت» دارد که در فلسفه و کلام برای اثبات وجود خداوند آمده است و آن این که عالمی که در آن زندگی می کنیم، بدون شک حادث است (زیرا دائماً در حال تغییر است و آنچه در حال تغییر است، در معرض حوادث است و چیزی که در معرض حوادث است ، محال است قدیم و ازلی باشد).

آنچه حادث است نیازمند علت است که این علت نمی تواند خودش معلول معلولات دیگر جهان باشد زیرا مستلزم اجتماع نقیضین، دور و تسلسل علل است که محال می باشند، در نتیجه علت و خالق عالم خداوند واجب الوجود است.^۳

یکی دیگر از راه های شناخت خداوند، شناخت او از طریق فطرت حب می باشد. فطرت انسان، خواهان کمال و جمالی است که هیچگاه به زوال و نیست شدن نگراید و ازلی و ابدی باشد. آنچه زوال پذیرد، موضوع حب و دوستی قرار نمی گیرد. حب حقیقی آن است که ضعف و سستی در آن راه نداشته باشد رنج فطرت در این جهان از آن است که به هرچه دل می بندد و محب او می گردد، پس از مدتی زایل و نابود شدن آن را مشاهده می کند. لذا انسان به جمال و کمال

۱-ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۴۲۲

۲-طور (۵۲)/ ۳۵

۳-ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ، ج ۲۲، ص ۴۶۴

برانگیختن فضایل و خویبه‌ها، عشق به سجایای انسانی و کمالات ربانی که با سرشت انسان آمیخته است، عرصه‌ای نیکو در تربیت آدمی است و با این جهت‌گیری است که محبت اولیاء الله از مهمترین عوامل مؤثر در تربیت است زیرا اولیاء الله با داشتن علم و وارستگی از صفات رذیله و پلیدی‌ها و قدرت بر اصلاح نفس خود بعد از خداوند متعال، برجسته‌ترین و واقعی‌ترین مصداق حجت هستند و ما باید پس از خداوند، محبت خود را متوجه آنان سازیم.

خلاصه سخن این است که مسیر محبت از سوی خدای متعال آغاز می‌شود و به سوی پیامبر(ص) و ائمه هدی سرازیر می‌شود و این حرکت دوسویه است.^۱

امام صادق نیز در این باره می‌فرماید:

«لِکُلِّ شَیْءٍ اَسَاسٌ وَّاسَاسُ الْاِسْلَامِ حُبُّنَا اَهْلَ الْبَیْتِ»^۲

برای هر چیزی پایه و اساسی است، اساس و پایه اسلام محبت ما اهل بیت است.

بنابراین ما باید دل‌های خودمان و فرزندانمان و محیط خانه و خانواده را به نور محبت اولیا بی‌فروزیم تا چراغ محبت آنها روشن‌گر ما باشد.

آثار محبت اولیاء الله در تربیت نفس

آنچه باید در ابتدای بحث به آن اشاره کرد این است که عشق و علاقه به اولیاء، خود هدف نیست بلکه وسیله‌ای است برای رسیدن به محبوب اصلی که خداوند است. یاد کسانی که خودشان صاحب مکارم اخلاق هستند و وسیله قرار دادن ایشان به درگاه خداوند متعال، فرمانبرداری از فرمان خداست که خداوند خود می‌فرماید:

۱- خانواده پویا، ج ۴، معاونت تربیتی-فرهنگی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ ۱۴، پاییز ۸۷، ص ۲۷

۲- به نقل از پنندهای آسمانی (پانصد آیه و حدیث پیرامون موضوعات مختلف زندگی)، اسدالله، محمدی، چاپ اول، بهار ۸۵، انتشارات سبط اکبر، ص ۴۷

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»^۱

«ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بپرهیزید و وسیله‌ای برای تقرب به او جویید.»

از جمله آثار محبت اولیاء الله در تربیت نفس می‌توان به تهذیب نفس اشاره کرد.

با توجه به اینکه محبت یکی از راه‌های اصلاح نفس است و محبت، انسان را به سوی هم‌شکلی با محبوب می‌کشاند و صفات محبوب را به محب تسری می‌دهد، مسلماً محبت به اهل بیت (ع) می‌تواند در سازندگی مؤثر بیفتد و او را در قرب به پروردگار خویش یاری کند. چرا که انسان سعی میکند با ایجاد محبت اهل بیت (ع) و رسولان (ص) خصلت‌های آنان را در خود جاری سازد تا بر اثر آن، محبت به خدا را که حقیقی‌ترین محبت است، بدست آورد.^۲

محبت به اهل بیت (ع) علاوه بر این که سبب تذهیب نفس انسان می‌شود در مواقعی که انسان تنه‌است یاریگر او می‌باشد. حضرت رسول (ص) در این باره می‌فرماید:

«محبت به من و اهل بیت در هفت جا که خواهش‌ها بزرگ می‌باشد، سودمند است: (۱) هنگام مرگ؛ (۲) در قبر؛ (۳) هنگام برانگیخته شدن از قبرها؛ (۴) هنگام نوشتن اعمال؛ (۵) هنگام حساب عمل؛ (۶) هنگام میزان عمل؛ (۷) هنگام عبور از صراط در قیامت.»^۳

نتیجه اینکه محبت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) وسیله و پلی است برای رسیدن به محبت خدا و در نتیجه سعادت دنیا و آخرتی انسان را در بردارد.

تذکر یک نکته اینجا مهم است و آن نکته این است که هر چیزی که از حد اعتدال خود خارج شود، موجب انحراف و کژ اندیشی خواهد شد. محبت به حضرت رسول (ص) و اهل بیت (ع) هم از قاعده مستثنی نیست بنابراین باید این محبت تحت حاکمیت عقل باشد تا باعث به وجود آمدن فرقه‌هایی چون غلو کنندگان نشود که ائمه یا اولیاء الله را در مقام خدایی قرار می‌دهند

۱- مائده (۵)/ ۳۵

۲- محمد رضا، کاشفی، آیین مهرورزی، ص ۱۱۸

۳- محمد، ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ح ۳۳۶۲، ص ۴۵۸

که جریان انحرافی است که ضربه به اسلام و مسلمین می زند.^۱ قرآن و روایات به شدت این جریان را مردود دانسته اند. حضرت رسول می فرمودند:

«لا ترفعونی فوق حقی فان الله تعالی اتخذنی عبدا قبل ان یتخذ فی نبیا»^۲

«مرا فراتر از حقم بالا نبرید؛ به دلیل این که خداوند قبل از آن که مرا نبی قرار دهد، عبد و بنده قرار داده است.»

خدایا محبت خود، محبت آنانکه تو را دوست می دارند ، محبت هر چیزی که ما را به حب تو نزدیک می کند، روزی ما فرما و چنان اسباب حبت را برای ما فراهم کن که تو را و هر که تو را دوست می دارد، دوست داشته باشیم.

به حق محمد و آل محمد

۱ - محمد رضا، کاشفی، آیین مهرورزی، ص ۱۲۶

۲ - محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار ، ج ۲۵ ، ص ۲۶۵

نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش محبت خدا و اولیا در تربیت نفس از دیدگاه اسلام است. تربیت نفس به عنوان یکی از شاخص‌های تعالی جامعه همواره مورد توجه اسلام بوده است و این مهم در آثار اندیشمندان اسلامی به وضوح قابل مشاهده است. برای تربیت مطلوب نفس در اسلام روش‌های گوناگونی بیان شده است که در این مقاله به یکی از مهمترین این روش‌ها یعنی روش محبت می‌پردازیم، محبت خدا و اولیا بزرگترین سرمایه‌ای است که سالک الی الله می‌تواند تحصیل کند؛ حصول محبت الهی راه‌ها و آثار گوناگونی دارد که در این مقاله به ذکر آن موارد می‌پردازیم. از مهمترین یافته‌های این مقاله که با تکیه بر دیدگاه اسلام در به کارگیری روش محبت در تربیت نفس است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. محبت همان کشش و جاذبه‌ای است که میان محب و محبوب واقع می‌شود و تربیت هم به معنای پروراندن استعدادها می‌باشد.
۲. روش بهره‌مند می‌شود اما روش محبت بهترین و اساسی‌ترین روش‌هاست و شاید بتوان گفت شیرازه و اساس روش‌های دیگر می‌باشد.
۳. محبت در تربیت امری الزامی است.
۴. یکی از راه‌های شناخت خداوند فطرت حب است، به این صورت که انسان دارای حب ذات است ولی از آنجایی که کمال طلب است و ذات او کامل نیست رو به محبوب می‌آورد که آفریننده هر کمال و جمال است که آن محبوب کسی جز خدا نیست که نه افول می‌کند و نه فناپذیر است.
۵. انسان برای تربیت نفس خود به وسیله محبت باید از محبوبی بالاتر از خود بهره‌مند شود که آن جز خدا و اولیاء الله کس دیگری نمی‌تواند باشد.
۶. دوستی خدا و بندگان دوستی دو طرف است بنابر آیه (فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه) محبت به خدا در بندگان شدنی است.
۸. محبت خدا نقش اساسی و مهم در تربیت نفس دارد و آثاری که بر این محبت بار می‌شود بسیار ارزشمند است که به آن اشاره کردیم.
۹. محبت به اولیاء الله هم در واقع طریقی آسان برای رسیدن به محبت خداوند و در نتیجه تربیت نفس می‌باشد و پایه و اساس اسلام است.

۱۰. محبت اولیاء باعث تهذیب نفس انسان است و سبب می‌شود که در صحنه‌هایی همچون صحرای محشر تنها نباشیم.

۱۱. در عشق و محبت به اولیاء الله نباید زیاده روی شود زیرا اولیاء الله از آن جهت که در مسیر الهی هستند و رنگ و بوی الهی دارند، متعلق محبت قرار می‌گیرند.

فهرست منابع

۱. قرآن
۲. امین زاده، محمد رضا، انسان شناسی، تهران، انتشارات در راه حق، ۱۳۸۱
۳. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی، تهران، انتشارات المهدی، ۱۳۶۳
۴. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ج ۲، قم، اسراء، ۱۳۸۱
۵. رفیعی، سیدجعفر، تزکیه روح، تهران، انتشارات موسسه یاران قائم «عج»، ۱۳۷۹
۶. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲، تهران، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۸۶
۷. کاشفی، محمد رضا، آیین مهرورزی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸
۸. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، موسسه الوفا بیروت، لبنان، دارالتعاریف للمطبوعات، بی‌تا
۹. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵
۱۰. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق درقرآن، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰
۱۱. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، مجموعه آثار، ج ۲۲، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۵۸